

دکتر علیرضا نبی لو\* دکتر مصطفی شیروی\*\*

### چکیده

در این مقاله تشبیهات مخزن الأسرار و مطلع الأنوار، از وجوه مختلف بلاغی؛ یعنی موضوعی، طرفین تشبیه، زاویه تشبیه، ساختار شکلی، وجه شبه، ادات، حسی، عقلی و انتزاعی بودن، تشبیهات گسترده و فشرده، مفرد و مرکب بودن، بررسی، دسته بندی و مقایسه و پس از تطبیق تشبیهات هر دو شاعر، تحلیلی آماری و علمی از آن ارائه شده است. مسأله اصلی پژوهش بررسی و مقایسه تشبیهات این دو اثر از وجوه مذکور است، زیرا تشبیه یکی از مهمترین عوامل مخیل شدن کلام و تولید شعر است و بررسی فرایند آن در دو اثر مورد بحث، مخاطب را از رازهای پنهان شعر نظامی و امیرخسرو آگاه می کند. از سوی دیگر در این پژوهش تأثیرات تشبیه بر ساختار زبانی و سبکی دو اثر نشان داده می شود. از اهداف این نگرش تحلیلی و تطبیقی، بررسی آماری تشبیهات هر دو شاعر و مشخص نمودن میزان ابتکار و تقلید هر یک و دست یافتن به دیدگاه جامعی درباره نوع و دسته بندی تشبیهات آنها است. این پژوهش کاملاً جنبه علمی دارد؛ یعنی تمام تشبیهات دو اثر مورد بررسی قرار گرفته است. (به دلیل محدودیت مقاله بخش هایی از آنها به عنوان نمونه ذکر شده، ولی آمارها و درصدها شامل تمام تشبیهات است).

نکته مهم آن است که مخزن الأسرار با ۲۲۵۴ بیت، ۶۳۱ تشبیه و مطلع الأنوار با ۳۲۱۶ بیت، ۴۶۲ تشبیه دارد؛ یعنی نظامی با وجود ابیات کمتر، تشبیه سازتر و تصویرگرتر از امیرخسرو است. (زیرا از کل تشبیهات این دو اثر سهم نظامی ۵۴٪ و سهم امیرخسرو ۳۹٪ است و ۷٪ تشبیه مشترک دارند). از سوی دیگر میزان تراکم تشبیهات و تصویرگری دو شاعر متفاوت است؛ یعنی در هر ۳/۶ بیت نظامی یک تشبیه و در هر ۷ بیت امیرخسرو یک تشبیه به کار رفته است که نشان دهنده تراکم تشبیه، تصویرگری و مخیل بودن ابیات نظامی نسبت به امیرخسرو است. از نکات مهم دیگر مقاله، گرایش دو شاعر به اوصاف انسانی و مفاهیم مجرد در اخذ مشبه است، همان طور که در آوردن مشبه به بسامد استفاده از اشیا و اوصاف انسانی بیشتر است، از نظر زاویه تشبیه و نو و کهنگی آن، اگرچه نظامی از امیرخسرو مبدع تر است؛ اما در مجموع ۱۶ درصد تشبیهات نظامی و

\*دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم (مسئول مکاتبات) dr.ar\_nabiloo@yahoo.com

\*\*استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم mshiravi1000@yahoo.com

۱۳ درصد تشبیهات امیر خسرو نو و ابداعی است و سایر موارد تکراری هستند. هر دو شاعر ساختار تشبیهی خاصی دارند که در یکی از طرفین تشبیه، یک ترکیب تشبیهی یا استعاره می‌آورند و تشبیهی خیال انگیز می‌آفرینند. از نظر ساختار شکلی هر دو شاعر از انواع مختلفی از تشبیه در شعر خود بهره جسته‌اند؛ ولی گرایش هر دو به تشبیه بلیغ و مفروق بیشتر بوده است. این پژوهش همچنین ثابت می‌کند که هر دو شاعر به تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی، تشبیهات گسترده و مفرد بیشتر گرایش دارند.

### واژه‌های کلیدی

تشبیه، زاویه تشبیه، ارکان تشبیه، ساختار بلاغی، مخزن الأسرار، مطلع الأنوار.

### مقدمه

موضوع مورد پژوهش این مقاله، بررسی تحلیلی و تطبیقی ساختار تشبیهات نظامی و امیر خسرو در مخزن الأسرار و مطلع الأنوار است. شعر نظامی از خیال انگیزی خاصی برخوردار است. مخزن الأسرار او دارای پیچیدگی خیال و تصویر آفرینی‌های بسیاری است و به دلیل آنکه اولین منظومه اوست؛ از تشبیهات تازه و قابل توجهی برخوردار است. با توجه به اینکه دارای اندیشه‌های تعلیمی، عرفانی و اخلاقی است، تشبیهاتش ریشه در طبیعت زمینی و شاخه در تفکرات آسمانی و روحانی دارد، به همین دلیل این منظومه جهت بررسی و تحلیل تشبیهات نظامی انتخاب شد. از میان مقلدان او امیر خسرو نسبت به سایرین از قدرت و ابتکار شاعری بیشتری برخوردار است و مطلع الأنوار او تقلیدی است از مخزن الأسرار. بسیاری از تشبیهات تحت تأثیر نگرش غالب جامعه و تفکرات رایج در آن پدید می‌آید و عقاید و باورهای دینی در شکل‌گیری آن مؤثر است و از طریق نوع نگرش شاعر به تشبیه، به تجربه شخصی و نحوه تفکرش درباره اشیا و امور می‌توان پی برد؛ بنابراین مقایسه و تطبیق ساختار تشبیه در این دو اثر تا حدودی می‌تواند خواننده را با سبک، هنر و تفکر این دو شاعر آشنا کند. به همین منظور تشبیهات آنها از نظر دسته بندی موضوعی مشبّه و مشبّه به، زاویه تشبیه و نو و کهنگی آن، ساختارهای تشبیهی خاص، ساختار شکلی تشبیهات، حسی، عقلی و انتزاعی بودن طرفین تشبیه، فشرده و گسترده بودن تشبیهات، مفرد و مرکب بودن آنها، وجه شبه و ادات تشبیه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. همچنین تشبیهات مشترک یا تقلیدی امیر خسرو از نظامی بررسی گردید و در نهایت به وسیله جدول و نمودار یافته‌های پژوهش به شکل آماری و دقیق ثبت شده است تا مخاطب در یک نگاه اجمالی بتواند به نتیجه این تطبیق و تحلیل دست یابد. در این زمینه، پژوهشی به این شیوه در قالب کتاب و مقاله دیده نشده، ولی پایان نامه‌های متعددی با موضوع صور خیال، تشبیه، استعاره و آرایه‌های ادبی در دانشگاه‌های ایران انجام شده است که ذکر آنها در این مقال مقدور نیست.

### بحث کلی

در دستگاه زبانی هر شاعر و نویسنده‌ای خصوصیات آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و ادبی - بلاغی شاخصی وجود دارد. دستگاه بلاغی بر اساس عناصر بدیعی و بیانی و سایر عناصر زیبایی شناسی زبان شکل می‌گیرد. در این میان، تشبیه یکی از مهمترین عناصر بیانی در یک اثر ادبی است. تشبیه نشان دهنده وسعت و زاویه دید شاعر است؛ یعنی شاعر میان عناصر و اشیا مختلف ارتباط برقرار می‌کند و طبیعی است که در این راه، از حوادث و رویدادهای جامعه نیز تأثیر

می‌پذیرد. همچنین تشبیه، تقلید و خلّاقیت شاعر را نشان می‌دهد. تشبیه به عنوان یکی از فنون و ابزارهای بیانی، پایه شکل‌گیری بسیاری از اشعار است. در میان مباحث علم بیان تشبیه، برجستگی ویژه‌ای دارد؛ زیرا اساس شکل‌گیری استعاره، تمثیل و به نوعی، کنایه است. «تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد، نه صدق؛ یعنی ادعایی باشد نه حقیقی» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۵۹). شاعر از طریق این فن با طبیعت و ماورای آن ارتباط برقرار می‌کند و از راه محاکات آنها را به خدمت می‌گیرد و ساختار ذهنی‌اش با آنها شکل می‌گیرد. «شکل ذهنی شعر حاکی از تمرکز کامل همه نیروی خلّاقه شاعر در لحظه آفرینش شعر است» (براهنی، ۱۳۸۰ ج ۱ / ۷۵). تشبیه در ساخت صور خیال نقش بسزایی دارد؛ یعنی «هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تحلیل شاعر در میان اشیا کشف می‌کند» (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

برای ورود به بحث تشبیه از مهمترین ارکان آن؛ یعنی مشبّه و مشبّه به می‌توان آغاز کرد که الزاماً باید ذکر شوند و قابل حذف نیستند. این دو طرف تشبیه را از جهات مختلف می‌توان بررسی و تحلیل نمود «آن دو رکنی که در حقیقت بنیاد تشبیه بر آنها استوار است، همان دو رکن مشبّه و مشبّه به است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۵۶). نوع بهره‌گیری شاعر از این دو رکن می‌تواند تا حدودی مؤید دیدگاه و زمینه‌های فکری و هنری او باشد، بسیاری از تجارب محیط زندگی و زمینه‌های عقیدتی و فکری در ساخت تشبیه مؤثر است. کسی که در این ارکان از عناصر دینی، اخلاقی، ادبی، اجتماعی و غیره استفاده می‌کند، گرایش و تمایل خود را به این امور نشان می‌دهد. به عبارت دیگر اغلب موضوعاتی که اطراف شاعر را فرا می‌گیرد یا از ذهن او می‌گذرد، می‌تواند در تشبیه سازی او مورد استفاده قرار گیرد.

### تشبیه و ساختار آن در شعر دو شاعر

در این مقال، علاوه بر بررسی عناصر تشبیه، ساختارهای بلاغی، زاویه تشبیه یا نوی و کهنگی آنها، جایگاه وجه شبه و ادات در تشبیهات دو شاعر مورد بحث قرار گرفته است. در بخشی از مقاله حاضر به ساختارهای خاص تشبیهی دو شاعر اشاره شده است که از ابهام و تصویرگری بیشتری برخوردار است و در پایان، تشبیهات مشترک آنها مورد توجه و کنکاش قرار گرفته است.

#### ۱- عناصر تشبیه در شعر دو شاعر

نظامی و امیرخسرو عناصر متعددی را در تشبیهات خود مورد توجه قرار داده‌اند. هر دو هم در مشبّه و هم در مشبّه به، به امور متنوعی پرداخته‌اند؛ از جمله انسان و اوصاف او، مفاهیم مجرد و انتزاعی، اجرام آسمانی، طبیعت، حیوانات و اشیا و...؛ تشبیهات هر دو شاعر در مخزن الأسرار و مطلع الأنوار از این منظر بررسی گردیده و تشبیهات استخراج شده به اعتبار مشبّه و مشبّه به دسته بندی شده است.

۱-۱- مشبّه و عناصر آن؛ این دسته‌بندی نشان دهنده گستردگی نگاه هر دو شاعر است، زیرا تقریباً در هر موضوعی وارد شده‌اند و از آن تشبیه اخذ کرده‌اند (در هر بخش به ذکر چند نمونه و چند بیت اکتفا می‌شود).

#### عناصر و اوصاف انسانی

مخزن الأسرار (۱): انسان به مگس (نظامی: ۵۲) / شرار (همان: ۷۸) / کدو (همان: ۷۸) / شاعر به لب لاله (همان: ۲۵) / باد (همان: ۱۴) / پیامبر به صبح نجات (همان: ۱۳) / آدم به گندم (همان: ۳۴) / دل به گندم (همان: ۳۴) / اعضا و

جوارح و اوصاف انسانی؛ تن به گوهر (همان: ۵۱) // جسد به دیگ (همان: ۳) / سر به کاسه (همان: ۶۲) / گوش به صدف (همان: ۲) / گیسو به شب (همان: ۱۰) / مغز به روغن (همان: ۲۳) // طبع به غبار (همان: ۸۴) / عقل به روشنی (همان: ۴) / رشته (همان: ۱) / رای به ملک (همان: ۳۷) / دل به خانه (همان: ۶۲) / مرغ (همان: ۲۵) / زبان به الماس (همان: ۱۷) / نخل (همان: ۲) / سخن به در (همان: ۲) / شهید (همان: ۲۱) / آب (همان: ۱۸) / جان به رشته (همان: ۵۱).  
 مطلع الأنوار: انسان به شیطان (دهلوی: ۴۵) / خشت (همان: ۸۴) / پیاز (همان: ۱۷۲) / جوارح و اعضا؛ تن به هلال (همان: ۱۲۹) / پیکر به خیال (همان: ۱۷۵) / دهان به درج (همان: ۱۲۴) / اوصاف و کارها؛ جوانی به بهارتن (همان: ۲۹۶) / پیامبر به محتسب زهره (همان: ۲۳) / شاعر به هما (همان: ۵۱) / خروس (همان: ۶۸) / عقل به پروانه (همان: ۱۸۰) / دل به بید (همان: ۱۴۸) / آیین (همان: ۳۴) / زبان به تیغ (همان: ۱۱۹) / سخن و وابسته های آن سخن به جان (همان: ۱۱۳) / معانی به نقد (همان: ۳۳) / جان به سگ (همان: ۳۳۱) / پروانه (همان: ۶۵).

عقل تو پیری است فراموشکار      تا ز تو یاد آرد یادش ییار

(نظامی، ۷۰)

آنکه اساس تو بر این گل نهاد      کعبه جان در حرم دل نهاد

(همان، ۴۸)

گوش سخا را ادب آموز کن      شمع سخن را نفس آموز کن

(همان، ۱۶)

نخل زبان را رطب نوش داد      دُر سخن را صدف گوش داد

(همان، ۲)

چون سخت شهد شد ارزان مکن      شهد سخن را مگس افشان مکن

(همان، ۲۱)

قلعه تن داد بده کار سنج      پنج برون سوی درون نیز پنج

(دهلوی، ۶)

طره شان دزد ولایت زنیست      نرگس شان آهوی شیر افکنست

(همان، ۱۸۳)

چند ز پاس درم افتی به رنج      پاس سخن دار که آنست گنج

(همان، ۱۱۳)

نظامی و امیر خسرو از موضوعات متعدد مرتبط با انسان، به عنوان مشبه استفاده نموده‌اند. انسان، اعضا و جوارح مربوط به انسان، اوصاف و مشاغل انسان، پیامبر به عنوان انسان کامل، شاعر و اوصاف مربوط به او، عقل و ویژگی‌های آن، دل، جان، زبان و سخن از بهترین مشبه‌های انسانی این دو شاعر است. در این میان، انسان، اعضا و کارهای او بیشترین بسامد را دارد. این نوع مشبه در مخزن الأسرار ۳۵۰ مورد با ۵۵/۶٪ و در مطلع الأنوار ۲۱۹ مورد با ۴۷/۴٪ از کل مشبه‌ها را شامل می‌شود و نشان می‌دهد که نظامی از این اوصاف بیشتر استفاده کرده است. تشبیهات مشترک آنها در

این بخش، سی مورد است که عبارتند از: انسان به کلید/شیر /گوهر/آینه /مور / شب / گاو / مگس / خورشید / دُر / ماه / خاک / آدمی به خر /تن به دیگ / رو به گل / زانو به آینه / مو به زنجیر / طبع به گل /شاعر به ذره / خاک / سگ /عقل به جان / دل به دریا / زبان به کلید / تیغ /سخن به جان /گنج / ملک / نظم به دُر/جان به رشته.

### مفاهیم مجرد و انتزاعی

مخزن الأسرار: کین به سگ (نظامی: ۸۳) / غم به شحنه (همان: ۴۹) / دام (همان: ۴) // وفا به تخم (همان: ۳۵) / مغز (همان: ۶۲) / ستم به غبار (همان: ۳۹) / تدبیر به کشتی (همان: ۳۸) / دانایی به جوهر (همان: ۷۷).

مطلع الأنوار: کین به گزlk (دهلوی: ۳۴۷) / قناعت به زیور (همان: ۳۳۸) / عصمت به پرده (همان: ۳۳۶) / غفلت به پرده (همان: ۳۱۴) / تکبر به باد (همان: ۱۹۸) / حرص به دریای شور (همان: ۸۷) / آب روی به روغن دوزخ (همان: ۱۵۴).

عدل تو قندیل شب افروز تست مونس فردای تو امروز تست

(نظامی، ۴۵)

در سفری کسان ره آزادی است شحنه غم پیشرو شادای است

(همان، ۴۹)

ز آتش تنهانه که از گرم و سرد راستی مرد بود در مرد

(همان، ۷۱)

در تن هرگز دم او جان شده نفس که دیوست مسلمان شده

(دهلوی، ۳۶)

دشمن اگر خود همه پیش و پس است عدل ملک حرز روانش بس است

(همان، ۲۴۲)

هر دو شاعر در این بخش از حالات درونی انسان و کیفیات روحی او بهره گرفته‌اند. همچنین به امور غیبی و ناملموس توجه ویژه‌ای نموده‌اند. این نوع مشبه در مخزن الأسرار ۷۸ مورد با ۱۲/۵٪ و در مطلع الأنوار ۱۱۰ مورد با ۲۳/۸٪ است. امیرخسرو در مطلع الأنوار از این نوع مشبه بیشتر استفاده کرده است. تنها تشبیه مشترک آنها در این بخش، تشبیه احسان به گنج است.

### موضوعات و اجرام آسمانی

مخزن الأسرار: فلک به پیر (نظامی: ۵۹) // خورشید به سیماب (همان: ۱۵) // چشمه (همان: ۲۹) مه به شیشه (همان: ۱۵) // مهتاب به چشمه (همان: ۴۶) // صبح به صدف (همان: ۱۱) / روز به زرده (همان: ۱۱) / نفس (همان: ۶۱).

مطلع الأنوار: دهر به باغ (دهلوی: ۳۱۸) // گیتی به ابلق (همان: ۲۷۴) // فلک به زمین (همان: ۳۵).

تاج تو و تخت تو دارد جهان تخت زمین آمد و تاج آسمان

(نظامی، ۱۰)

پیر فلک خرقه بخواهد درید مهره گل رشته بخواهد برید

(همان، ۵۹)

شحنه شب خون عسس ریخته	بر شکرش پر مگس ریخته
(همان، ۲۹)	
نطع فلک هم چو زمین خاک او	شیر سپهر آهوی فتراک او
	(دهلوی، ۳۵)
پرورش مادر گردون مبین	کافت جان مگس است انگبین
	(همان، ۳۱۷)
خادم نه حجره تو ماه و مهر	انجم مسعود دران نه سپهر
	(همان، ۳۰)
ابلق ایام در آخور گهش	زاویه فقر تفاخر گهش
	(همان، ۱۸)

افلاک و اجرام آن، از پدیده‌های الهام بخش شاعران در تصویر سازی است. آسمان، خورشید، ماه، روز و شب، بیشتر مورد نظر نظامی و امیرخسرو بوده است. این نوع مشبه در مخزن الأسرار ۷۵ مورد با ۱۱/۸٪ و در مطلع الأنوار ۴۹ مورد با ۱۰/۶٪ به کار رفته است که سهم نظامی بیشتر است. تشبیهات مشترک آنها در این بخش سه مورد است که عبارتند از: دهر به باغ / گردون به غلام / خورشید به چشمه.

#### طبیعت و زمین

مخزن الأسرار: جهان به باغ (نظامی: ۵۴) / زمین به وام (همان: ۴) / باغ (همان: ۶۶) / مرغ (همان: ۴۸) / گوی (همان: ۱۳).  
مطلع الأنوار: عالم به ابلق (دهلوی: ۳۲۶) / جهان به باغ (همان: ۳۲۱) / دانه خشخاش (همان: ۹۱).

تاج تو و تخت تو دارد جهان	تخت زمین آمد و تاج آسمان
	(نظامی، ۱۰)
گوی زمین برده به چوگان خود	عرصه میدانش ازل تا ابد
	(دهلوی، ۱۷)

از موضوعات مد نظر نظامی و امیرخسرو در این زمینه، مفاهیمی چون، جهان، خاک، کوه و زمین است. این نوع تشبیه در مخزن الأسرار ۳۸ مورد با ۶٪ و در مطلع الأنوار ۱۹ مورد با ۴/۲٪ است که نظامی ۲ برابر امیرخسرو از این نوع موضوعات در مشبه‌های خود استفاده برده است. تشبیهات مشترک آنها در این بخش سه مورد است: جهان به باغ / زمین به گوی / گرد و خاک به کحل و توتیا.

#### حیوانات

مخزن الأسرار: سگ به شیر (نظامی: ۴۹) / مار به گنج نشین (همان: ۵۳) / جغد به بلبل گنج (همان: ۵۱).  
مطلع الأنوار: مرغان به پروانه (دهلوی: ۷۴) / فاخته به شیخ (همان: ۶۹) / بوم به دزد (همان: ۲۱۹).

جغد که شوم است به افسانه در	بلبل گنج است به ویرانه در
	(نظامی، ۵۱)

بوم به شب طعمه خورد دزد وار باز رود طبل زنان در شکار

(دهلوی، ۲۱۹)

این نوع مشبّه در مخزن الأسرار ۹ مورد با ۱/۴٪ و در مطلع الأنوار ۱۲ مورد با ۲/۶٪ است. تشبیه مشترکی در این بخش وجود ندارد.

رستنی‌ها

مخزن الأسرار: گل به کشتی (نظامی: ۳۵) / زرده (همان: ۲۷) / سمن به ترک (همان: ۲۶) / سوسن به افعی (همان: ۲۶) / لاله به میجر (همان: ۲۷).

مطلع الأنوار: نرگس به بیمار (دهلوی: ۳۰۳) / سمن به سپر (همان: ۷۱) / لاله به کف خون (همان: ۷۴) / دل (همان: ۷۴).

نی به شکر خنده برون آمده زرده گل نعل به خون آمده

(نظامی، ۲۷)

لاله به آتشگه راز آمده چون مغ هندو به نماز آمده

(همان، ۲۶)

هر سمنی کش نظر انداختم ناوک غم را سپری ساختم

(دهلوی، ۷۱)

چون دل مالاله افروخته شد کف خونی ز میان سوخته

(همان، ۷۴)

این نوع مشبّه در مخزن الأسرار ۳۱ مورد با ۴/۹٪ و در مطلع الأنوار ۸ مورد با ۱/۷٪ کاربرد دارد که نظامی تقریباً ۴ برابر امیر خسرو از این دسته مشبّه‌ها بهره برده است. در این موضوع تشبیه مشترکی وجود ندارد.

دریا

مخزن الأسرار: آب به روشنی (نظامی: ۶۴) / تن (همان: ۲) / قاقم (همان: ۲۶).

مطلع الأنوار: قطره به صوفی (دهلوی: ۷۳) / قطره بر سمن به آبله بر عارض (همان: ۷۰).

آب ز نرمی شده قاقم نمای طرفه بود قاقم سنجاب سای

(نظامی، ۲۶)

گریه به صحرای نیاز آمده قطره چو صوفی به نماز آمده

(دهلوی، ۷۳)

از موضوع دریا نظامی ۵ بار با ۰/۸ درصد و امیر خسرو ۳ بار با ۰/۶ درصد، در مشبّه تشبیهات خود استفاده کرده‌اند که بهره‌گیری هر دو از این موضوع تقریباً اندک است. تشبیه مشترکی در این موضوع وجود ندارد.

اشیا و ابزار

مخزن الأسرار: جام به نرگس (نظامی: ۳۱) / حلقه به پرده (همان: ۳۰) / تیر به زبان (همان: ۵۳) / تاج به فلک (همان: ۱۴).

مطلع الأنوار: دامن انسان به دامن کوه (دهلوی: ۳۳۲) / قلم به نشتر (همان: ۲۴۵) / تیغ به شفیع (همان: ۲۵۳).

می چو گگل آرایش اقلیم شد      جام چو نرگس زر در سیم شد

(نظامی، ۳۱)

شمع چو ساقی قدح می به دست      طشت می آلوده و پروانه مست

(همان، ۲۹)

خرقه صد میخی اوتاد هست      کشتی نه بحر بر اهل نشست

(دهلوی، ۳۱۲)

هر دو شاعر از نام ابزارها، ظروف و احجار، به عنوان مشبّه استفاده کرده‌اند. نظامی از این موضوع ۲۳ مورد با ۳/۶٪ و امیرخسرو ۳۳ مورد با ۷/۲٪ در مشبه تشبیهات خود استفاده نموده‌اند که بهره‌گیری امیرخسرو بیشتر است. تشبیه مشترکی در این موضوع وجود ندارد.

مفاهیم تخیلی - ادبی

مخزن الأسرار: چشمه خورشید به نمکدان (نظامی: ۶۲) / چشمه تیغ به آب فرات (همان: ۱۵) زلف بنفشه به رسن (همان: ۶۳).

مطلع الأنوار: حبل ورید به کمند (دهلوی: ۸۳) / چشمه خورشید به دریای نور (همان: ۱۵۵).

چشمه تیغ تو چو آب فرات      ریخته قرابه آب حیات

(نظامی، ۱۵)

رو به فلک تا نگری در حضور      چشمه خورشید چو دریای نور

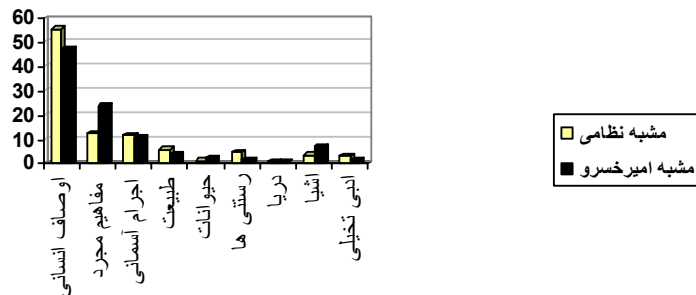
(دهلوی، ۱۵۵)

هر دو شاعر مواردی را به شکل تشبیه و استعاره به عنوان مشبّه آورده‌اند که نظامی با ۲۴ مورد و ۳/۴٪ نسبت به امیرخسرو با ۹ مورد و ۱/۹٪ بیشتر از این نوع استفاده کرده‌است. در این زمینه تشبیه مشترکی وجود ندارد.

با توجه به مطالب فوق و نمودار شماره یک در می‌یابیم که هر دو شاعر بیشتر مشبّه تشبیهات خود را از اوصاف انسانی و مفاهیم مجرد اخذ کرده‌اند که با توجه به نگرش اخلاقی و نیمه عرفانی دو شاعر در این دو اثر، این امر کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. عناصر دریایی در مشبّه تشبیهات هر دو کم رنگ است، این امر تفاوت سطح دیدگاه این دو شاعر را با امثال مولانا نشان می‌دهد؛ زیرا او از دریا با گستره معنایی وسیعی بهره می‌گیرد و این دو شاعر از دریا تاویل و تفسیر خاصی به دست نمی‌دهند و به معنای ظاهری آن اکتفا کرده‌اند. همچنین به دلیل نوع تفکر حاکم بر مخزن الأسرار و مطلع الأنوار، نقش حیوانات، رستنی‌ها، طبیعت و اشیا، در تشبیهات کم رنگ است. نظامی به اوصاف انسانی بیش از امیرخسرو گرایش داشته و امیرخسرو نیز به مفاهیم مجرد بیشتر علاقه‌مند بوده و این امر با توجه به رنگ و بوی عرفانی و معنوی مطلع الأنوار نسبت به مخزن الأسرار طبیعی است.



نمودار شماره یک. موضوعات مشبّه و درصد آن‌ها در تشبیهات مخزن الأسرار و مطلع الأنوار



### ۱-۲- مشبّه به و عناصر آن

#### عناصر و اوصاف انسانی

مخزن الأسرار: اعضا؛ لعل به جگر (نظامی: ۲) / لب به مسیحا (همان: ۳۱) / آب به موسی (همان: ۲۷) سخن به جان (همان: ۱۸) / دشمن به غم (همان: ۷۶) / سحر به غماز (همان: ۷۱) کرشمه به کماندار (همان: ۳۰) / شمع به ساقی (همان: ۲۹).

مطلع الأنوار: اعضا؛ سلسبیل به لب پیامبر (همان: ۱۹) / شب به مو (همان: ۳۰) / سخن به جان (همان: ۱۱۳) / بوم به دزد (همان: ۶۸).

زنگله روز فرا پاش بست / طفل شب آهیخت چو در دایه دست

(نظامی، ۲۲)

طشت می آلوده و پروانه مست / شمع چو ساقی قدح می به دست

(همان، ۲۹)

کافت جان مگس است انگبین / پرورش مادر گردون مبین

(دهلوی، ۳۱۷)

باز رود طبل زنان در شکار / بوم به شب طعمه خورد دزد وار

(همان، ۲۱۹)

در این بخش، نظامی و امیرخسرو از اعضا، مشاغل، اوصاف و احوال انسانی و نامهای خاص استفاده کرده‌اند. این نوع مشبّه به در مخزن الأسرار ۱۲۹ مورد با ۲۰/۵٪ و در مطلع الأنوار ۶۵ مورد با ۱۴٪ است که سهم نظامی تقریباً دو برابر امیرخسرو است.

#### مفاهیم مجرد و انتزاعی

مخزن الأسرار: انسان به سیمرغ (نظامی: ۴۸) / طلسم (همان: ۷۸) / قضا (همان: ۸۵) / پیامبر به آب حیات (همان: ۱۳).

مطلع الأنوار: شاعر به ملک (دهلوی: ۶۹) / خون به چشمه حیوان (همان: ۲۰۹) / بوستان به بهشت (همان: ۶۹).

عقل تو جان‌بست که جسمش تویی / جان تو گنجی که طلسمش تویی

(نظامی، ۷۸)

خون که به تن چشمه حیوان ماست      گشت چو فاسد خلل جان ماست

(دهلوی، ۲۰۹)

نظامی از این نوع مشبّه به ۱۱ مورد و ۱/۸٪ و امیرخسرو ۲۴ مورد با ۵/۲٪ آورده است؛ یعنی امیرخسرو دو برابر نظامی از این نوع مشبّه به استفاده نموده است.

موضوعات و اجرام آسمانی

مخزن الأسرار: آدمی به فلک (نظامی: ۵۱) / سخن به فلک (همان: ۲۱) / غنچه به گردون (همان: ۶۳).

مطلع الأنوار: شاعر به آفتاب (دهلوی: ۴۹) / انسان به خورشید (همان: ۳۳۵) / رای به خورشید (همان: ۴۷) / اهل نظر به مه (همان: ۸۶).

چون فلک از پای نشاید نشست      تا سخنی چون فلک آری به دست

(نظامی، ۲۱)

رای چو خورشید تو از فیض نور      دیده نهان‌های فلک را ز دور

(دهلوی، ۴۷)

هر دو شاعر موضوعاتی مانند آسمان، خورشید، ماه، ابر، شب و روز، باد و آتش را در مشبّه به تشبیهات خود آورده‌اند. این دسته مشبّه به در مخزن الأسرار ۶۳ مورد و ۱۱٪ و در مطلع الأنوار ۴۴ مورد و ۹/۵٪ است که نشان می‌دهد، نظامی قدری بیشتر از این موضوعات در مشبّه‌به‌های خود استفاده نموده است.

طبیعت و زمین

مخزن الأسرار: انسان به بهار (نظامی: ۶۶) / مجلس به نوبهار (همان: ۲۹) / شاعر به ذره (همان: ۱۸) / جسم به ایوان (همان: ۱۸).  
مطلع الأنوار: فلک به زمین (دهلوی: ۳۵) / جهان به باغ (همان: ۳۲۱) / امید به گلشن (همان: ۱۲) / تن به قلعه (همان: ۶) / آسمان به حرم (همان: ۳۴) / جهالت به زندان (همان: ۹۷).

گه شده او سبزه و من جوی آب      گه شده من گازر و او آفتاب

(نظامی، ۳۱)

باغ جهان زحمت خاری نداشت      خاک سراسیمه غباری نداشت

(نظامی، ۵۴)

باغ جهان بوی وفاپی نداد      سبزه او مهر گیایی نداد

(دهلوی، ۳۲۱)

گوشم ازان ابر پر آوازه کن      گلشن امید مرا تازه کن

(همان، ۱۲)

هر دو شاعر از جهان، باغ، زمین، خاک، غبار و ذره در مشبّه به تشبیهات خود استفاده کرده‌اند. این دسته مشبّه به در مخزن الأسرار ۵۷ مورد و ۹٪ و در مطلع الأنوار ۵۱ مورد و ۱۱٪ از کل مشبّه‌به‌های هر شاعر را شامل می‌شود.

## حیوانات

مخزن الأسرار: انسان به پروانه (نظامی: ۶۶) / انسان به مگس (همان: ۵۲) / سخن به مرغ (همان: ۲) / راز به مرغ (همان: ۸۱) / دل به مرغ (همان: ۷).

مطلع الأنوار: عقل به پروانه (دهلوی: ۱۸۰) / انسان به مور (همان: ۲۱۵) / جبرئیل به مگس (همان: ۱۹) / ملایک به مگس (همان: ۳۴).

سوی عجم ران منشین در عرب      زرده روز اینک و شب‌بیدز شب

(نظامی، ۱۱)

زان نکنم با تو در خنده باز      تا به زبان بر نپرد مرغ راز

(همان، ۸۱)

سرد نفس بود سگ گرم کین      روبه از آن دوخت مگر آستین

(همان، ۸۳)

زاه دل من همه مرغان باغ      سوخته پروانه صفت بر چراغ

(دهلوی، ۷۴)

از لب او نیم نمی سلسبیل      بر شکر او مگسی جبرئیل

(همان، ۱۹)

هر دو شاعر از نام حشرات، پرندگان و جانوران در مشبّه به تشبیهات خود استفاده کرده‌اند. نظامی ۵۷ مورد و ۹٪ و امیر خسرو ۵۰ مورد و ۱۰/۸٪ از کل مشبّه‌به‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند که تعداد آن‌ها تقریباً شبیه هم است.

## رستنی‌ها

مخزن الأسرار: انسان به بنفشه (نظامی: ۳۵) / شاعر به گل (همان: ۲۵) / دل به گل (همان: ۸۰) / گوش به گل (همان: ۲۳).

مطلع الأنوار: عارض به سمن و گل (دهلوی: ۲۹۰) / رخ به لاله (همان: ۳۰۳) / خنجر به بید (همان: ۲۲۹).

می چو گول آرایش اقلیم شد      جام چو نرگس زر در سیم شد

(نظامی، ۳۱)

تا بود اسباب جوانی به تن      روی چو گل باشد و بر چون سمن

(دهلوی، ۲۹۶)

هر دو شاعر از نام گلها، گیاهان و درختان در مشبّه به تشبیهات خود استفاده کرده‌اند. سهم نظامی از این نوع مشبّه به، ۴۷ مورد و ۷/۴٪ و سهم امیرخسرو ۲۵ مورد و ۵/۴٪ است که نشان می‌دهد، نظامی از این موضوعات بیشتر در مشبّه به تشبیهات خود استفاده نموده‌است.

## دریا

مخزن الأسرار: جود به دریا (نظامی: ۵۴) / قیامت به بحر (همان: ۶۷) / سخن به آب (همان: ۲۰).

مطلع الأنوار: عفو به دریا (دهلوی: ۴۲) / رحمت به قلم (همان: ۳۱) / حرص به دریای شور (همان: ۸۷).

گشته دلم بحر گهر ریز تو      گوهر جانم کم آویز تو

(نظامی، ۱۸)

شعله خشمش چو برآید به اوج      عفو چو دریاش درآید به موج

(دهلوی، ۴۲)

آب و چشمه از موضوعات اصلی این بخش از مشبّه به تشبیهات هر دو شاعر است. نظامی ۲۳ مورد و ۳/۶٪ و امیرخسرو ۲۱ مورد و ۴/۶٪ در شعر خود از این دسته مشبّه به استفاده نموده است.

اشیا و ابزار

مخزن الأسرار: جان به گنج (نظامی: ۷۸) / شاعر به سیماب (همان: ۲۰) / دهن به حقه (همان: ۲۸).

مطلع الأنوار: اشک به گهر (دهلوی: ۱۳۶) / پیامبر به شمع (همان: ۲۲) / غفلت به پرده (همان: ۳۱۴).

نقش قبـول از دل روشن پذیر      گرد گلیـم سیه تن مگیر

(نظامی، ۴۹)

جز تو فلک را خم چوگان که داد      دیگ جسد را نمک جان که داد

(همان، ۳)

ای سخت گنج خدا را کلید      گوهر آن گنج تو کردی پدید

(دهلوی، ۲۹)

در خرد رشته جان را سپرد      ملک سخن تیغ زبان را سپرد

(همان، ۵)

چرخ ترا بهر شرف ساخته      تو تن خود دیگ علف ساخته

(همان، ۱۳۵)

نوش لب از قهقه شکرشان      جعد چو زنجیر پایش کشان

(همان، ۳۰۳)

قفل فکن درج دهان را برون      گم کن اگر ماند کلیدش درون

(همان، ۱۱۸)

این بخش شامل نام سنگ‌ها، فلزات، ظروف، وسایل زندگی، ابزارهای جنگی و وسایل تزئینی است، این دسته مشبّه به در مخزن الأسرار ۱۹۱ مورد و ۳۰/۳٪ و در مطلع الأنوار ۱۵۰ مورد و ۳۲/۵٪ است که نشان می‌دهد هر دو شاعر توجه خاصی به این عناصر داشته‌اند. نظامی بیشتر از امیرخسرو از این موضوعات در مشبّه به تشبیهاتش بهره گرفته است.

### مفاهیم تخیلی - ادبی

مخزن الأسرار: سخن پروری به پرده راز (نظامی: ۱۹) / پیامبر به صبح نجات (همان: ۱۳) / دل خرسند به ملک قناعت (همان: ۸۳) / غنچه به چشمه خون (همان: ۸۲).

مطلع الأنوار: چشمه خورشید به دریای نور (دهلوی: ۱۵۵) / خرد و عقل به همشیره جان (همان: ۱۱۲) / جوانی به بهار تن (همان: ۲۹۶).

پرده رازی که سخن پروریست	پرده ای از پرده پیغمبر است
رو به فلک تا نگری در حضور	چشمه خورشید چو دریای نور
	(نظامی، ۱۹)
	(دهلوی، ۱۵۵)

نظامی ۳۳ بار و ۵/۲٪ و امیر خسرو ۲۴ بار و ۵/۴٪ مشبّه‌به‌های خود را از این موضوع گرفته‌اند.

### مفاهیم متفرقه

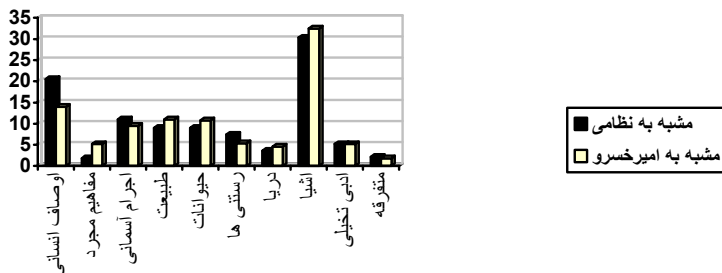
مخزن الأسرار: انسان به دایره (نظامی: ۳۵) / گل به پرده زنبور (همان: ۵۲) / موی سپید به نشانه ناامیدی (همان: ۴۶).  
مطلع الأنوار: کف نور پیامبر به عروه و ثقی (دهلوی: ۱۷) / انوار به سرمه سپید (همان: ۱۱) / بسم الله به زایچه فکرت (همان: ۱).

دولت اگر دولت جمشیدی است	موی سپید آیت نو میدی است
بیش من تیره شد از کار خویش	سرمه سپیدم ده از انوار خویش
	(نظامی، ۴۶)
	(دهلوی، ۱۱)

مفاهیم دیگری که در دسته بندیهای فوق نمی‌گنجد، در این بخش آورده شد. نظامی ۱۴ مورد و ۲/۲٪ و امیر خسرو ۸ مورد و ۱/۸٪ از مشبّه‌به تشبیهات خود را بر این اساس ایجاد نموده‌اند.

با توجه به توضیحات فوق و دقت در نمودار شماره دو در می‌یابیم که اشیا و اوصاف انسانی بیشترین نقش را در انتخاب مشبّه‌به‌های تشبیه دو شاعر ایفا می‌کند؛ زیرا هر دو بیشتر، امور را به اشیا و اوصاف انسانی تشبیه کرده‌اند. در این مبحث نیز نقش دریا در پدید آمدن مشبّه‌به ضعیف است، به دلیل توجه کمتر دو شاعر به مشبّه‌به‌های عقلی و انتزاعی، حضور این عناصر در مشبّه‌به تشبیهات هر دو ضعیف است و این امر با توجه به پایین بودن بسامد تشبیهات حسی به عقلی و عقلی به عقلی منطقی جلوه می‌کند.

نمودار شماره دو. موضوعات مشبّه‌به و درصد آنها در تشبیهات مخزن الأسرار و مطلع الأنوار



## ۲- زاویه تشبیه (نوی و کهنگی تشبیهات) در شعر دو شاعر

زاویه تشبیه<sup>۲</sup> را براساس وجود میزان شباهت و درجه آن، در مشبه و مشبه به و دور یا نزدیکی آن می‌سنجند، اگر ربط بین مشبه و مشبه به دورتر باشد؛ زاویه تشبیه بازر و تشبیه هنری تر است و اگر ربط و شباهت بین طرفین تشبیه، واضح تر و نزدیک تر باشد، زاویه تشبیه بسته تر و غیرهنری تر است. این موضوع می‌تواند از منظری دیگر، مؤید نوآوری و ابداع شاعران در تشبیه سازی باشد؛ زیرا شاعرانی که به تشبیه با زاویه باز گرایش دارند، بیشتر اهل آفرینش هنری و نوجویی در تصویرگری هستند، به عبارت دیگر در تشبیهات نو، زاویه تشبیه، باز و در تشبیهات کلیشه‌ای و کهنه زاویه تشبیه، بسته تر است. نو بودن تشبیه برجستگی خاصی به سبک و بیان شاعر می‌دهد و برای مخاطب انگیزه دنبال کردن شعر را ایجاد می‌کند. تشبیهات کهنه و کلیشه‌ای نیز شعر را تکراری می‌نماید و توجه و ذوق مخاطب را به سوی خود جلب نمی‌کند. گفتنی است که نوی یا کهنگی تشبیه بیشتر از مشبه به اخذ می‌شود؛ زیرا وجه شبه در آن برجسته تر و قوی تر است. البته گذشت زمان و فاصله گرفتن از عصر شاعران، سبب نسبی شدن باز و بستگی زاویه تشبیه می‌شود و همچنین نوع بررسی و تحلیل تشبیه آنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. مثلاً اگر از نگاه تحلیل‌گر امروز به آن تشبیهات نگریسته شود، چه بسا بسیاری از تشبیهات بدیع و با زاویه باز، امروز کلیشه‌ای و بسته به نظر برسد، در حالی که اگر معیار بررسی، منحصر به عصر شاعر باشد درجه نوآوری و هنری بودن تشبیهات وجه دیگری پیدا می‌کند.

در اشعار دو شاعر مورد بحث، این مطلب بیانگر آن است که نظامی اگرچه در ترکیبات زبانی و واژه آفرینی نوآور و مبدع است؛ اما در ایجاد تشبیهات نو و ابتکاری- لاقفل در مخزن الأسرار- چندان توفیق کاملی نداشته است. امیر خسرو نیز در این مورد از نظامی ضعیف تر عمل کرده و میزان نوآوری او از نظامی کمتر است. از مجموع تشبیهات نظامی ۸۴٪ سابقه قبلی دارد و در اشعار شاعران پیشین تکرار شده است تشبیه با زاویه بسته) و ۱۶٪/با نوآوری و ابداع همراه است (تشبیه با زاویه باز). این مسأله در اشعار امیر خسرو شامل ۸۷٪/تشبیهات کلیشه‌ای و تکراری (تشبیه با زاویه بسته) و ۱۳٪/تشبیهات نو و ابداعی (تشبیه با زاویه باز) است.

به چند مورد از تشبیهات کلیشه‌ای و تازه هر دو شاعر اشاره می‌شود: در مخزن الأسرار تشبیهاتی نظیر: پیر عقل/چشمه عقل/کعبه جان/گوهر تن/باغ روح/مملکت جان/چشمه رای/مرغ سخن/در سخن/الماس سخن/سیم سخن/شهد سخن/خنجر زبان/کلید زبان/قفس قالب/مرغ دل/گنج دل/حرم دل/کاسه دل/سلسله مو/شب گیسو/گوهر چشم/ناوک غمزه/حقه دهن/در دندان/میدان فلک/نعل مه/شیشه مه/صدف صبح/طفل شب، تشبیه کهنه و کلیشه‌ای هستند؛ در مطلع الأنوار نیز این تشبیهات کلیشه‌ای و مکرر است: در خرد/ملک سخن/تیغ زبان/چراغ خرد/پاسبان خرد/شمع خرد/کلید زبان/چشمه جان/گنج سخن/شربت معنی/نقد معانی/گهر نثر/نشر قلم/گلخن تن/قلعه تن/باغ دل/گل رو/گوهر اشک/درج دهان/شیشه فلک/گنبد گردون/شب گیسو/سقای ابر.

چند نمونه از تشبیهات نو هر دو شاعر در ضمن ابیاتشان بیان می‌شود:

نواله سخن

خوان تو را این دو نواله سخن دست نکردست بدو دست کن

(نظامی، ۱۷)

خاطر شاعر مانند زهره/گنجه مانند بابل

بابل من گنجة هاروت سوز      زهرة من خاطر انجم فروز

(همان، ۲۱)

شاعر مانند گره نقطه (ترکیب اخیر خود اضافه تشبیهی است).

من که در این دایره دهر بند      چون گره نقطه شدم شهر بند

(همان، ۱۴)

سپرغم دل

عقل ز بسیار خوری کم شود      دل چو سپرغم سپر غم شود

(همان، ۷۸)

راهزن حواس

دور شو از راهزنان حواس      راه تو دل داند دل را شناس

(همان، ۲۲)

علاوه بر موارد مذکور تشبیهاتی نظیر: نمک جان/آتش فکرت/ترازوی سخن/شعر مانند صور قیامت/آدم مانند گندم/سهیل دل/صابون خورشید/نگین دان مه، از نظامی قابل ذکر است.

به چند تشبیه نو از امیر خسرو اشاره می شود:

خرد به همشیره

این خرد و نطق که زان تواند      هر دو دو همشیره جان تواند

(دهلوی، ۱۱۲)

شاعر مانند رشته مریم

من شده چون رشته مریم بتاب      کرده گذر زان سر سوزن شتاب

(همان، ۷۸۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تن مرده مانند مردمک چشم شغال      هست تن مرده که نبود به گور

(همان، ۲۵۶)

آستین دهان

آستن زله کشانته دهان      استره کیسه برانت زبان

(همان، ۲۶۴)

مغز مانند نور تن (دهلوی: ۵۶)/انسان مانند اره (همان: ۲۴۷)/طره مانند دزد (همان: ۱۸۳)، از دیگر نوآوری های امیر خسرو است.

همچنین در تشبیهات نظامی و امیر خسرو به ساختار خاصی برمی خوریم که یکی از طرفین تشبیه، خود استعاره یا ترکیب تشبیهی (نظیر تشبیه بلیغ) است. اینها در حقیقت تشبیهات مبتدلی هستند که شاعر برای آن که آن‌ها را از ابتدال

خارج کند، ابتدا تبدیل به استعاره نموده و سپس به عنوان مشبه، به کار گرفته است، که علاوه بر نوآوری در محور همنشینی ابیات، در لایه پنهانی و درونی بیت نیز ابهام و خیال انگیزی دیگری ایجاد می‌کند و سبب دقت و تأمل بیشتر خواننده شده و به زیبایی و تصویرگری کامل تری منجر می‌شود، این قسم تشبیه به تشبیهات خیالی و وهمی<sup>۳</sup> نزدیک می‌شود؛ اما هسته و کانون این تشبیهات ساختار ادبی است و برخاسته از خیال آفرینی و تصویرگری شاعر است. در بیت زیر مرغ استعاره از روح است که به مسیحا تشبیه گردیده است.

مرغ قفس پر که مسیحای تست      زیر تو پر دارد و بالای تست

(نظامی، ۴۸)

طلال در این بیت استعاره از جسم است که به ایوان تشبیه شده است.

در لغت عشق سخن جان ماست      ما سخنیم این طلال ایوان ماست

(همان، ۱۸)

رطب در این بیت استعاره از شعر است که به پاره جان تشبیه شده است.

هر رطبی کز سر این خوان بود      آن نه رطب پاره‌ای از جان بود

(همان، ۲۰)

در این بیت ابتدا شاعر سخن پروری را به پرده راز تشبیه نموده و سپس آن‌ها را به وحی انبیا تشبیه می‌کند که بر عکس موارد فوق، ابتدا تشبیهی در رکن مشبه گنجانده شده و دوباره آن تشبیه به مشبه<sup>۴</sup> به دیگری شباهت داده شده است.

پرده رازی که سخن پروریست      سنایه‌ای از پرده پیغمبریست

(همان، ۱۹)

در این بیت مشبه<sup>۵</sup> به از تشبیه بلیغی پدید آمده (باغ روح) و شاعر، سخن را به آن تشبیه کرده است.

بر سخن تازه تر از باغ روح      منکر دیرینه چو اصحاب نوح

(همان، ۸۷)

مشبه<sup>۶</sup> به در این بیت استعاره مکنیه است (لب لاله) و شاعر خود را به آن تشبیه نموده است.

من چو لب لاله شدم خنده ناک      جامه به صد جای چو گل کرده چاک

(همان، ۲۵)

در این بیت ابتدا شاعر دل را به سپرغم تشبیه نموده و مجموع آنها را به سپر غم تشبیه کرده است.

عقل ز بسیارخوری کم شود      دل چو سپرغم سپر غم شود

(همان، ۷۸)

در این بیت هم مشبه (شب گیسو) و هم مشبه<sup>۷</sup> به (روز نجات) تشبیه بلیغ است و شاعر آن دو را در داخل تشبیه کلان‌تری قرار داده است.

ای شب گیسوی تو روز نجات      آتش سودای تو آب حیات

(همان، ۱۰)



امیر خسرو نیز از این ساختارهای هنری در تشبیهات خود سود جسته است:  
ملک سخن (تشبیه بلیغ) به دیباچه پیغمبری تشبیه شده است.

ملک سخن کان صفت برتریست      نسخه دیباچه پیغمبریست

(دهلوی، ۵۵)

جان و دل مانند اختر (تشبیه) به شمع گردون (استعاره) تشبیه شده است.

جان و دلم کاختر میمون شدند      شمع سراپرده گردون شدند

(همان، ۶۶)

نرگس (استعاره از چشم) به آهو تشبیه شده است.

طره شان دزد ولایت زنت      نرگشان آهوی شیرافکنست

(همان، ۱۸۳)

چنانکه دیده می شود این ساختارها از بهره ادبی بسیاری برخوردار است و هنر ابداع و نوآوری شاعر را نشان می دهد. گفتنی است که در این موضوع، سهم نظامی بیشتر از امیر خسرو است و بسامد این ساختارها در مخزن الأسرار بیشتر است.

### ۳- تشبیهات دو شاعر از نظر ذکر و حذف ادات و وجه شبه

تشبیه از نظر ذکر یا حذف ادات و وجه شبه به چهار دسته تقسیم می شود:

تشبیه مفصل یا کامل الارکان که علاوه بر طرفین، ادات و وجه شبه نیز ذکر می شود. تشبیه مرسل یا مجمل که وجه شبه در آن محذوف است، تشبیه مؤکد که ادات در آن، محذوف است و تشبیه بلیغ که در آن، ادات و وجه شبه هر دو محذوف است.

۳-۱- تشبیه مفصل یا کامل الارکان: در این نوع تشبیه تمام ارکان ذکر می شوند البته این تصاویر به دلیل حضور وجه شبه و ادات برای خواننده واضح و یافتنی است و نیاز به تأمل و جستجوی زیاد ندارد.

کین سخن رشته تر از نقش باغ      عاریست افروز نشد چون چراغ

(نظامی، ۱۷)

من که در این دایره دهر بند      چون گره نقطه شدم شهر بند

(همان، ۱۴)

رای چو خورشید تو از فیض نور      دید نهان های فلک را ز دور

(دهلوی، ۴۷)

خامه چو تیری به روانی ازو      کور شده عین معانی ازو

(همان، ۳۴۶)

۳-۲- تشبیه مرسل یا مجمل: که وجه شبه در آن محذوف است.

طبع نظامی که بدو چون گل است      بر گل او نغز نوا بلبل است

(نظامی، ۱۰)

قصه شنیدم که به اقصای مرو بود ملک زاده جوانی چو سرو

(همان، ۷۴)

چون شود آراسته نظم چو در از گهر نثر کنم خانه پر

(دهلوی، ۵۳)

۳-۳- تشبیه مؤکد: که ادات تشبیه در آن حذف شده است.

عقل تو پیریست فراموشکار تا ز تو یاد آرد یادش بیار

(نظامی، ۷۰)

باغ صفا را چو فلک تازه کرد مرغ سخن را فلک آوازه کرد

(همان، ۲)

پس چو چنین است سخن جان ماست وانکه بدو زنده بود زان ماست

(دهلوی، ۱۱۲)

ادات تشبیه اگر حذف شود و تشبیه با ابهام و دیربایی بیشتری همراه باشد، به خواننده نقش بیشتری داده می‌شود و او را به دقت و باریک‌نگری بیشتری وا می‌دارد. «غرض اصلی از تشبیه عینیت بخشیدن به دو چیز مختلف است یا بهتر بگوییم عینیت بخشیدن است، به دو چیزی که غیریت دارند و چون ادات حذف شود؛ عینیت به صورت محسوس‌تر و دقیق‌تر نمایانده می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۶۶). ادات تشبیه در تشبیهات هر شاعر به شکل حروف اضافه، شباهت و وندهای تشبیهی و... آورده می‌شود. از مجموع ۶۳۱ تشبیه نظامی در مخزن الأسرار، ۱۹۰ مورد دارای ادات است و در ۴۴۱ مورد، ادات ذکر نشده. همچنین از مجموع ۴۶۲ تشبیه امیرخسرو در مطلع الأنوار، ۱۲۴ مورد با ادات همراه است و ۳۳۸ مورد بدون ادات تشبیه آورده شده است. ذکر ادات نیز می‌تواند از مخیل بودن تشبیه بکاهد. نظامی ۷۰٪ از تشبیهاتش را بدون ذکر ادات آورده است و امیرخسرو نیز ۷۳٪ از تشبیهاتش چنین است (رجوع شود به جدول شماره ۲). یعنی تشبیهات هر دو شاعر از این نظر تقریباً با هم مشابه است و بیشتر گرایش به آوردن تشبیهات مؤکد دارند تا مرسل.

۴-۳- تشبیه بلیغ: در این نوع تشبیه فقط مشبّه و مشبّه به ذکر شده و گاهی به شکل ترکیب اضافی دیده می‌شود و به دلیل عدم حضور وجه شبه و ادات، خیال انگیزی و ابهام ادبی در خوری در ذهن خواننده ایجاد می‌کند؛ زیرا هنگامی که تشبیه با مشبّه و مشبّه به، غالب باشد و از ادات و وجه شبه کمتر استفاده شود؛ بر همانندی طرفین تشبیه، بیشتر تأکید می‌گردد، در غیر این صورت جدایی و دوری طرفین بیشتر القا می‌شود.

آنکه اساس تو بر این گل نهاد کعبه جان در حرم دل نهاد

(نظامی، ۴۸)

جز تو فلک را خم دوران که داد دیگ جسد را نمک جان که داد

(همان، ۳)

نخل زبان را رطب نوش داد در سخن را صدف گوش داد

(همان، ۲)

در خرد رشته جان را سپرد      ملک سخن تیغ زبان را سپرد  
(دهلوی، ۵)

#### ۴- تشبیهات دو شاعر از نظر ساختار شکلی و ظاهری

این تقسیم بندی بیشتر ناظر بر شکل و ظاهر تشبیهات است که به فراخور حضور ارکان تشبیه، چگونگی چینش طرفین تشبیه و تعدد آنها می تواند متنوع باشد، در ابیات زیر فهرست وار به چند مورد پر کاربرد اشاره می شود:

۱-۴- مفروق: که شامل چند مشبه و مشبه به متوالی است که این تعدد تشبیه سبب خیال انگیزی و کوشش ذهنی بیشتر مخاطب می شود. این قسم تشبیه در شعر هر دو شاعر بسیار مکرر و فراوان است و از ویژگی های اصلی تشبیهات آنها محسوب می شود.

نخل زبان را رطب نوش داد      در سخن را صدف گوش داد  
(نظامی، ۲)

آنکه اساس تو بر این گل نهاد      کعبه جان در حرم دل نهاد  
(همان، ۴۸)

جز تو فلک را خم دوران که داد      دیگ جسد را نمک جان که داد  
(همان، ۳)

در صف ناوردگه لشکرش      دست علم بود و زبان خنجرش  
(همان، ۱۰)

هم تو پذیری که ز باغ توایم      قمری طوق و سگ داغ توایم  
(همان، ۵)

رشته جان بر جگرت بسته اند      گوهر تن بر کمرت بسته اند  
(همان، ۵۱)

ای ملک جانوران رای تو      وی گهر تاجوران پای تو  
(همان، ۳۷)

آب سخن بر درت افشاند ام      ریگ منم زانکه به جا مانده ام  
(همان، ۱۸)

در خرد رشته جان را سپرد      ملک سخن تیغ زبان را سپرد  
(دهلوی، ۵)

هر قدمت عمده هر دو سرای      هر سخت خازن وحی خدای  
(همان، ۳۰)

چون شود آراسته نظم چو در      از گهر نثر کنم خانه پر  
(همان، ۵۳)

نرخ سخن کرد نشاید به مال      زانکه سخن جان بود و زر سفال  
(همان، ۱۱۳)

تا بود اسباب جوانی به تن      روی چو گل باشد و بر چون سمن  
(همان، ۲۹۶)

۲-۴- ملفوف: این تشبیه حالت لفّ و نشر دارد و دو یا چند مشبّه ابتدا ذکر می‌شود و مشبّه‌به‌های آن‌ها در ادامه به شکل متوالی بیان می‌گردد.

من شده از نور مقدس بتاب      مقتبس از من تو چومه ز آفتاب  
(دهلوی، ۸۰)

گیسو و رو نور و دخانش بهم      ابروی او با مژه نون و القلم  
(همان، ۱۸)

۳-۴- جمع: در این تشبیه مشبّه واحد و مشبّه به متعدد است.

گرم شو از مهر و ز کین سرد باش      چون مه و خورشید جوانمرد باش  
(نظامی، ۴۰)

ای شده خشنود به یکبارگی      چون خر و گاوی به علف خوارگی  
(همان، ۶۹)

ای به امل مانده چو موران اسیر      در ته باری چو ستوران اسیر  
(دهلوی، ۲۵۷)

دور بود سفله ز جود و غزا      همچو سگ از غرق و خر از آشنا  
(همان، ۲۲۰)

اینکه شکم دشمن و خویش تو شد      تنگ و فراخ از کم و بیش تو شد  
(همان، ۱۷۴)

۴-۴- تسویه: بر عکس تشبیه جمع، مشبّه متعدد و مشبّه به واحد است.

چون ملک العرش جهان آفرید      مملکت صورت و جان آفرید  
(نظامی، ۲۳)

دیده و گوش از غرض افزونی‌اند      کارگر پرده بیرونی‌اند  
(همان، ۲۳)

این خرد و نطق که زان تواند      هر دو دو هم‌شیره جان تواند  
(دهلوی، ۱۱۲)

جان و دلم کاختر میمون شدند      شمع سراپرده گردون شدند  
(همان، ۶۶)

خادم نه حجره تو ماه و مهر      انجم مشعود دران نه سپهر

(همان، ۳۰)

وانکه تنش را ز بناتست تاب      مطبخی اوست مه و آفتاب

(همان، ۱۶۹)

توجه نظامی به تشبیهات بلیغ، مرسل و مفروق بیشتر است. امیرخسرو نیز بعد از تشبیه بلیغ به تشبیهات کامل و مفروق بیشتر توجه دارد. تشبیه بلیغ و مفروق در این دو اثر بسامد بالایی دارد. این تشبیهات از جهت عدم ذکر ادات و وجه شبه، بلیغ هستند و به خاطر تراکم مشبه و مشبه به یعنی تعدد تشبیهات بلیغ اضافی و کنار هم قرار گرفتن آن‌ها به شکل مفروق ظاهر شده است. نظامی ۶۷/۵ درصد تشبیهاتش بلیغ است و امیرخسرو نیز ۶۲/۱ درصد از این نوع تشبیه آورده است. این امر سبب مخیل تر شدن تشبیهات آن‌ها و در نتیجه پر ابهام تر شدن اشعار شده است. این تشبیهات ذهن خواننده را به ژرف ساخت خود متمرکز می‌کند، به عبارت دیگر سبب صعوبت اشعار و دیریابی آن می‌شود.

#### ۵- تشبیه فشرده و گسترده در شعر دو شاعر

ساختار شکلی و ظاهری تشبیه از منظر دیگری نیز قابل بررسی است که از آن به تشبیه فشرده و گسترده یاد می‌شود: «تشبیهات فشرده تشبیهاتی است که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه به) به صورت ترکیبی اضافی در می‌آید... تشبیه گسترده تشبیهی است که به صورت ترکیب اضافی بیان نشده باشد. در تشبیه گسترده ممکن است، هر چهار رکن تشبیه ذکر شود و ممکن است وجه شبه یا ادات تشبیه و یا هر دو حذف شود» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۵) در مخزن الأسرار میزان تشبیه فشرده ۱۶۶ مورد و ۲۶٪ و تعداد تشبیه گسترده ۴۶۵ مورد و ۷۴٪ است. تشبیهات فشرده امیرخسرو ۱۶۵ مورد و ۳۶٪ است و تشبیهات گسترده اش ۲۹۷ مورد و ۶۴٪ است. تشبیهات فشرده بهره هنری بیشتری دارد و نشان می‌دهد، شاعر در ترکیب مذکور از مرز ایجاد شباهت گذشته و ماندگی را در نهایت کمال و قطعیت دیده است؛ ولی در تشبیه گسترده، آمدن وجه شبه و ادات یا عدم ترکیب مشبه و مشبه به و جدایی آن دو، نشان می‌دهد، شاعر و نویسنده نیز به قطعیت تشبیه اذعان نکرده است و مخاطب نیز به ساختگی و تصنعی بودن تشبیه پی می‌برد.

#### ۶- تشبیه مفرد و مرکب در شعر دو شاعر

هر دو شاعر بیشتر به ساختن تشبیه مفرد گرایش دارند؛ ولی میزان تشبیهات مرکب در مطلع الأنوار بیشتر از مخزن الأسرار است. حدود ۹۸٪ تشبیهات مخزن الأسرار و ۹۱٪ تشبیهات مطلع الأنوار مفرد است و تنها چند درصد از تشبیهات دو اثر را تشبیه مرکب تشکیل می‌دهد.

جاهل و تلبیس وی از حد برون      جبه سپید استر رنگین درون

(دهلوی، ۹۹)

دختر اگر نیست پسر کی شود      بی صدف ساده گهر کی شود

(همان، ۳۳۱)

زشت بود دل نجس از تن شده      عرش خدا در چه گلخن شده

(همان، ۱۳۵)

سرخی مشرق ز افق رو نمود      همچو می سرخ ز جام کبود

(همان، ۶۸)

گویا اختیار بحر سریع و سه لختی شدن هر دو مصراع برای آوردن تشبیه مفرد و بلیغ سازگارتر است، با دقت در ابیات زیر به خوش نشستن تشبیهات بلیغ و مفرد در جای ارکان عروضی بهتر می‌توان پی برد:

در خرد رشته جان را سپرد      ملک سخن تیغ زبان را سپرد

(دهلوی، ۵)

نخل زبان را رطب نوش داد      در سخن را صدف گوش داد

(نظامی، ۲)

جز تو فلک را خم دوران که داد      دیگ جسد را نمک جان که داد

(همان، ۳)

۷- وجه شبه در شعر دو شاعر

وجه شبه اگر از مشبه به نو و نامکرر اخذ شود؛ تشبیه را مطلوب تر و زیباتر می‌کند و سبب دخالت بیشتر مخاطب در روند فهم شعر خواهد شد. این مطلب در تشبیهات فشرده بهتر دیده می‌شود؛ ولی در تشبیهات گسترده میزان دخالت خواننده در تولید تخیل ادبی اثر بسیار کم رنگ می‌شود.

وجه شبه هم می‌تواند از مشبه اخذ شود و هم از مشبه به حسی، عقلی و انتزاعی بودن تشبیهات نیز در وجه شبه و چگونگی آن مؤثر است. در این دو اثر وجه شبه به تأثیر از طرفین تشبیه اقسام متنوعی پیدا کرده است: گفتنی است که ۴۴ مورد از طرفین تشبیه در مخزن الأسرار؛ یعنی ۷۰/۸٪، حسی به حسی است، این میزان در مطلع الأنوار ۲۹۰ مورد و ۶۲/۷٪ است. میزان تشبیهات عقلی به عقلی در مخزن الأسرار ۶ مورد و ۱٪ و در مطلع الأنوار ۳ مورد و ۶٪ است. میزان تشبیه حسی به عقلی در مخزن الأسرار ۱۲ مورد و ۲٪ و در مطلع الأنوار ۱۵ مورد و ۳/۳٪ است. میزان تشبیهات عقلی به حسی در مخزن الأسرار ۱۱۸ مورد و ۱۸٪ و در مطلع الأنوار ۱۴۰ مورد و ۳۰/۴٪ است. تشبیهات انتزاعی به انتزاعی و عقلی به انتزاعی هر کدام در مخزن الأسرار ۲ مورد و ۳٪ و در مطلع الأنوار ۱ مورد و ۲٪ است. میزان تشبیهات انتزاعی به عقلی در مخزن الأسرار ۲ مورد و ۳٪ است و در مطلع الأنوار هیچ مورد از این نوع تشبیه وجود ندارد. تشبیهات انتزاعی به حسی در مخزن الأسرار ۱۸ مورد و ۲/۸٪ و در مطلع الأنوار ۶ مورد و ۱/۳٪ است. میزان تشبیه حسی به انتزاعی در مخزن الأسرار ۲۸ مورد و ۴/۵٪ و در مطلع الأنوار ۶ مورد و ۱/۳٪ است.

هر دو شاعر در تشبیهات حسی خود بیشتر از حواس بینایی بهره گرفته‌اند. تقریباً ۷۰٪ تشبیهات نظامی، حسی به حسی است و بعد از آن تشبیهات عقلی به حسی با ۱۸٪ قرار دارد. امیرخسرو نیز تقریباً ۶۲٪ از تشبیهات خود را به شکل حسی به حسی و ۳۰٪ را به شکل عقلی به حسی آورده است که نشان می‌دهد هر دو شاعر گرایش به ساختن تشبیهات حسی دارند و از این امور بیشتر در تصویرسازی بهره گرفته‌اند. حواس و صورخیال با هم ارتباط تنگاتنگی دارند «تصویر در شعر، بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافت‌های حسی شاعر زندگی می‌بخشد. به عبارت دیگر سبب می‌شود تا خواننده احساس کند که چیزی را بگونه‌ای متمایز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید، یا می‌شنود» (اسکلتن، ۱۳۷۵: ۱۰۵).

هر دو شاعر به مشبّه‌به‌های حسی توجه بیشتری داشته‌اند و وجه شبه را عمدتاً از امور محسوس گرفته‌اند. از جهت دیگر حضور یا عدم حضور وجه شبه در تشبیهات این دو شاعر قابل بررسی است؛ یعنی از مجموع ۶۳۱ تشبیه نظامی در مخزن الأسرار، ۹۵ تشبیه به همراه وجه شبه ذکر شده و در ۵۳۶ مورد وجه شبه مذکور نیست. امیرخسرو نیز مجموعاً ۴۶۲ تشبیه در مطلع الأنوار آورده است که در ۱۲۶ مورد وجه شبه ذکر شده و در ۳۳۶ مورد وجه شبه ذکر نشده است. ذکر وجه شبه از میزان مخیل بودن تشبیه می‌کاهد و این فرصت را از مخاطب می‌گیرد تا با خیال‌پردازی و دقت، رابطه طرفین تشبیه را بیابد. «از نظر تئوری ادبیات، تشبیه مجمل از مفصل بهتر است و اتفاقاً هر چه در شعر فارسی از آغاز به جلو بیایم یا از آغاز هر سبکی دورتر شویم از بسامد تشبیهات مفصل کاسته می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۶۰). بنابراین تشبیهاتی که وجه شبه آن ذکر نشود (مجمل) هنری‌تر و خیال‌انگیزتر خواهد بود. در این میان نظامی ۸۵٪ تشبیهات خود را در مخزن الأسرار بدون ذکر وجه شبه آورده و بر مخیل بودن آن افزوده است. امیرخسرو نیز ۷۳٪ از تشبیهاتش چنین است. (رجوع شود به جدول شماره ۲) وجه شبه می‌تواند از امور حقیقی و خیالی گرفته شود. همچنین موضوع وجه شبه می‌تواند از حرکات، رنگها، اشکال، ابعاد، فاصله‌ها و غیره اخذ گردد، این امور مستقیماً می‌تواند متأثر از محیط و نظام ذهنی شاعر باشد «نکته دیگری نیز در تشبیه قابل ملاحظه است و آن اینکه مشبّه به و وجه شبه اغلب بیان‌کننده محیط زندگی و دریافت‌های ذهنی شاعر است» (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۶). نظامی و امیرخسرو بیشتر وجه شبه خود را از احوال انسانی، مکان، شکل، فضا و حجم، حرکت و حس بینایی و لامسه گرفته‌اند و تمایز خاصی در آنها دیده نمی‌شود. گفتنی است که هر چه وجه شبه مبهم‌تر باشد؛ تشبیه بعیدتر می‌گردد و برای دریافت روابط پنهان آن به کوشش و دقت بیشتری نیاز خواهد بود. «آگاه باش که وقتی دو چیز به یکدیگر تشبیه بشوند، این تشبیه دو قسم است. یکی اینکه تشبیه از جهت روشن و واضحی صورت گیرد که نیازمند تأویل و توضیح نباشد. دیگر آنکه وجه شبه با نوعی تأویل و توضیح به دست آید، نمونه قسم نخست تشبیه چیزی است به چیزی از جهت صورت و شکل .... نمونه دوم تشبیهی است که با نوعی تأویل پدید می‌آید» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵).

نظامی و امیرخسرو در وجه شبه‌های خود جوانب مختلفی را در نظر داشته‌اند که از میان آن‌ها به چند تشبیه با محوریت شکل و رنگ در وجه شبه می‌پردازیم:

وجه شبه با محوریت شکل و ظاهر مشبّه و مشبّه به:

در صَف ناوردگه لَشکَرش      دست علم بود و زبان خنجرش  
(نظامی، ۱۰)

نظامی در تشبیه اول با توجه به شکل، دست را به علم تشبیه کرده و در تشبیه زبان به خنجر نیز علاوه بر برندگی، شکل آن دو را مد نظر داشته است.

آستن زله کَشانت دهان      استره کیسه برانت زبان  
(دهلوی، ۲۶۴)

خامه چو تیری به روانی ازو      کور شده عین معانی ازو  
(همان، ۳۴۶)

امیرخسرو نیز دهان را به آستین، زبان را به استره و خامه را به تیر تشبیه کرده که وجه شباهت آنها از نظر شکلی و ظاهری روشن است.

وجه شبه با محوریت رنگ مشبّه و مشبّه به:

ای شب گیسوی تو روز نجات آتش سودای تو آب حیات

(نظامی، ۱۰)

در شب خط ساخته سحر حلال بابلی غمزه و هندوی خال

(همان، ۳۰)

نظامی سیاهی را در رابطه شب و گیسو و شب و خط در نظر داشته و در تشبیه خال به هندو نیز یکی از وجوه شباهت سیاهی بوده است.

گیسو و رو نور و دخانش به هم ابروی او با مژه نون و القلم

(دهلوی، ۱۸)

ریش تو گر هست مثل پر زاغ سببت پیران مکن از پر لاغ

(همان، ۲۹۰)

امیرخسرو سیاهی گیسو و دخان و ریش و پر زاغ را در تشبیه لحاظ کرده و رابطه روشنی و پاکی نور و چهره نیز در نظرش بوده است. ضمناً تشبیه در بیت اول به سوره‌ها و آیات قرآن نیز اشارتی دارد.

گاهی وجه شبه به شکل صفت هنری با یکی از طرفین تشبیه آورده می‌شود که علاوه بر تغییر بافت ظاهری تشبیه، نشان می‌دهد که شاعر، صفت مذکور (وجه شبه) را از کدام طرف تشبیه (مشبّه و مشبّه به) اخذ کرده است. این مطلب از ویژگی‌های تشبیهات امیرخسرو و نظامی نیز هست؛ یعنی صفتی که به همراه مشبّه یا مشبّه به آورده شده و ویژگی‌های آنها را بیان کرده است.

عقل تو پیریست فراموشکار تا ز تو ییاد آرد یادش بیار

(نظامی، ۷۰)

گشته دلم بحر گهر ریز تو گوهر جانم کمر آویز تو

(همان، ۱۸)

مار صفت شد فلک حلقه وار خاک خورد مار سرانجام کار

(همان، ۵۹)

نظامی صفت فراموشکاری را برای پیر، گهر ریزی را برای بحر و حلقه وار را برای فلک آورده است که هر کدام از صفت‌ها نقش وجه شبه را نیز ایفا می‌کنند.

هر که چنین کرد سخن را سواد چون قلم خویش سیه روی باد

(دهلوی، ۳۴۶)

امیرخسرو صفت سیه رویی را برای قلم آورده که نقش وجه شبه را نیز بازی می‌کند.



## ۸- تشبیهات مشترک دو شاعر

با توجه به دسته بندی طرفین تشبیه و بررسی های انجام شده از مجموع ۱۰۹۳ تشبیه هر دو شاعر؛ یعنی ۶۳۱ تشبیه نظامی و ۴۶۲ تشبیه امیرخسرو، فقط ۳۷ تشبیه مشترک است که عبارتند از: انسان به کلید / انسان به شیر / انسان به گوهر / انسان به آینه / انسان به مور / انسان به شب / انسان به گاو / انسان به مگس / انسان به خورشید / انسان به ذر / انسان به ماه / آدمی به خر / انسان به خاک / تن به دیگ / رو به گل / زانو به آینه / مو به زنجیر / طبع به گل / شاعر به ذره / شاعر به خاک / شاعر به سگ / عقل به جان / دل به دریا / زبان به کلید / زبان به تیغ / سخن به جان / سخن به گنج / سخن به ملک / نظم به ذر / جان به رشته / احسان به گنج / دهر به باغ / گردون به غلام / خورشید به چشمه / جهان به باغ / زمین به گوی / گرد و خاک به کحل و توتیا. به ذکر دو مورد بسنده می شود:

رشته جان:

رشته جان بر جگرت بسته اند      گوهر تن بر کمرت بسته اند

(نظامی، ۵۱)

در خرد رشته جان را سپرد      ملک سخن تیر زبان را سپرد

(دهلوی، ۵)

سخن و جان:

در لغت عشق سخن جان ماست      ما سخنی این طلل ایوان ماست

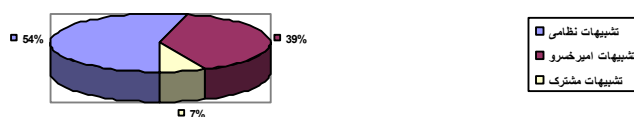
(نظامی، ۱۸)

نرخ سخن کرد نشاید به مال      زانکه سخن جان بود و زر سفال

(دهلوی، ۱۱۳)

پس دریافته می شود که تنها ۷٪ از تشبیهات امیرخسرو شبیه تشبیهات نظامی است. اگر چه امیرخسرو را یکی از مقلدان نظامی می دانیم که در کلیات و ترتیب آثار خود و موضوعات شعریش، از نظامی تقلید کرده است؛ ولی در تشبیه سازی، این بررسی ها نشان می دهد که از نظر میزان نوآوری و تقلید در تشبیه سازی امیرخسرو مانند نظامی است؛ یعنی ۹۳٪ تشبیهات او مشابهتی با تشبیهات نظامی ندارد و فقط ۷٪ از تشبیهاتش با نظامی مشترک است؛ اما از جهت دیگر (با توجه به نمودار شماره سه) معلوم می گردد که از کل ۱۰۹۳ تشبیه، نظامی ۵۴٪ و امیرخسرو ۳۹٪ از تشبیهات را پدید آورده اند و ۷٪ نیز مشترک است، بخصوص که نظامی این مقدار تشبیه را در ۲۲۵۴ بیت پدید آورده و امیرخسرو در ۳۲۱۶ بیت، بنابراین میزان تراکم تشبیهات و تصویرگری دو شاعر متفاوت است. نسبت تعداد ابیات بر تعداد تشبیهات نظامی ۳/۶ است و در شعر امیرخسرو ۷ است؛ یعنی در هر ۳/۶ بیت نظامی یک تشبیه به کار رفته، ولی در شعر امیرخسرو در هر ۷ بیت یک تشبیه به کار رفته که نشان دهنده تراکم تشبیه و تصویرگری و مخیل بودن ابیات نظامی نسبت به امیرخسرو است. به عبارت دیگر در هر بیت نظامی ۰/۲۸ تشبیه و در هر بیت امیرخسرو ۰/۱۴ تشبیه وجود دارد که نشان می دهد، قدرت تصویرسازی نظامی از امیرخسرو بیشتر بوده و با توجه به تعداد ابیات و تراکم تشبیهات، نظامی در مخزن الأسرار تقریباً دو برابر امیرخسرو تشبیه آورده است.

## نمودار شماره سه. درصد تشبیهات غیرمستترک و مشترک نظامی و امیرخسرو



### نتیجه گیری و تحلیل جدول ها و نمودارها

با توجه به جدول (یک) و نمودار (یک) نظامی بیشترین تشبیهاتش را از اوصاف انسانی با ۳۵۰ مورد اخذ کرده است و امیرخسرو نیز ۲۱۹ مورد مشبّه را از همین موضوع اخذ کرده است. بعد از آن هر دو از مفاهیم مجرد و انتزاعی بیشترین مشبّه خود را پدید آورده‌اند. همچنین اجرام آسمانی و اشیا در مشبّه تشبیهات هر دو جلوه خاصی دارد. نظامی اوصاف انسانی را بیشتر از امیرخسرو آورده و امیرخسرو مفاهیم مجرد و انتزاعی را بیشتر از نظامی مورد نظر قرار داده است. در میان مشبّه به تشبیهات نیز اشیا و ابزارها، بیشتر مورد نظر دو شاعر بوده است و پس از آن، اوصاف انسانی، اجرام آسمانی، طبیعت، حیوانات و رستنی‌ها، بیشترین نمود را در مشبّه به تشبیهات هر دو شاعر دارد. (جدول شماره یک و نمودار شماره دو) از نظر زاویه تشبیه و نو و کهنگی تشبیه، اگرچه نظامی از امیرخسرو مبدع‌تر است؛ اما در مجموع ۱۶ درصد تشبیهات نظامی و ۱۳ درصد تشبیهات امیرخسرو نو و ابداعی است و سایر موارد تکراری است. هردو شاعر ساختار تشبیهی خاصی دارند که در یکی از طرفین تشبیه، یک ترکیب تشبیهی یا استعاره می‌آورند و کلام خیال‌انگیزی ایجاد می‌کنند. از نظر ساختار شکلی تشبیه، هر دو شاعر از انواع مختلفی در شعر خود بهره جسته‌اند و گرایش هر دو به تشبیه بلیغ و مفروق بیشتر بوده است. بعد از بررسی و تحلیل بحث تشبیه این دو اثر، معلوم می‌گردد که نظامی با وجود ابیات کمتر تشبیه سازتر و تصویرگرتر از امیرخسرو است. (زیرا از کل تشبیهات این دو اثر سهم نظامی ۵۴٪ و سهم امیرخسرو ۳۹٪ است و ۷٪ نیز تشبیه مشترک دارند) این پژوهش همچنین ثابت می‌کند هر دو شاعر به تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی، تشبیهات گسترده و مفرد بیشتر گرایش دارند.

گفتنی است که ساختار تشبیهات در این دو اثر، زبان شعری هر دو شاعر را تحت تأثیر قرار داده است و بسامد بیشتر تشبیهات نظامی، زبان شعری او را دیرپاب‌تر و مخیل‌تر نموده است. در حالی که زبان شعری مطلع‌الأنوار به دلیل بسامد کمتر تشبیهات از سادگی و وضوح بیشتری برخوردار است. این مطلب نشان می‌دهد که نظامی با به کارگیری تشبیه بلیغ و مرسل به سوی خیال‌انگیزی کلام و در نتیجه دیرپایی زبان شعر و پیچیده بودن آن، حرکت کرده است، در حالی که کلام امیرخسرو این گونه نیست و زبان شعر او قابل فهم است.

یکی از دلایل وجود تفاوت در ساختار تشبیهات دو شاعر، مقلد بودن امیرخسرو است و از سوی دیگر تفاوت سبکی این دو شاعر را باید در نظر داشت؛ زیرا نظامی و اصولاً سبک آذربایجانی به پیچیدگی زبانی و دیرپایی صورخیال متمایل‌تر است، ولی امیرخسرو در عین تقلید، چندان به پیچیدگی و دیرپایی دچار نشده است. از سوی دیگر، تفاوت ساختار تشبیهات دو شاعر به تفاوت جهان بینی و نگرش آن‌ها به هستی و همچنین به متفاوت بودن اقلیم زندگی آنها برمی‌گردد.

جدول شماره (یک) موضوعات مشبّه و مشبّه به، بسامد و درصد آن در مخزن الأسرار و مطلع الأنوار

مشبّه به		مشبّه		مطلع الأنوار		مخزن الأسرار		شماره
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	
۱۴	۶۵	۲۰/۵	۱۲۹	۴۷/۴	۲۱۹	۵۵/۶	۳۵۰	اوصاف انسانی
۵/۲	۲۴	۱/۸	۱۱	۲۳/۸	۱۱۰	۱۲/۵	۷۸	مفاهیم مجرد، انتزاعی
۹/۵	۴۴	۱۱	۶۹	۱۰/۶	۴۹	۱۱/۸	۷۵	اجرام آسمانی
۱۱	۵۱	۹	۵۷	۴/۲	۱۹	۶	۳۸	طبیعت و زمین
۱۰/۸	۵۰	۹	۵۷	۲/۶	۱۲	۱/۴	۹	حیوانات
۵/۴	۲۵	۷/۴	۴۷	۱/۷	۸	۴/۹	۳۱	رستنی‌ها
۴/۶	۲۱	۳/۶	۲۳	۰/۶	۳	۰/۸	۵	دریا
۳۲/۵	۱۵۰	۳۰/۳	۱۹۱	۷/۲	۳۳	۳/۶	۲۳	اشیا و ابزارها
۵/۲	۲۴	۵/۲	۳۳	۱/۹	۹	۳/۴	۲۲	مفاهیم تخیلی - ادبی
۱/۸	۸	۲/۲	۱۴	۰	۰	۰	۰	متفرقه
۱۰۰	۴۶۲	۱۰۰	۶۳۱	۱۰۰	۴۶۲	۱۰۰	۶۳۱	مجموع

جدول شماره (۲) میزان بسامد و درصد تشبیهات بلیغ، کامل، مفصل و مرسل در هر دو اثر

مطلع الأنوار		مخزن الأسرار		تشبیه به اعتبار ارکان آن
درصد	بسامد	درصد	بسامد	
۶۲/۱	۲۸۷	۶۷/۵	۴۲۶	تشبیه با طرفین بدون ذکر ادات و وجه شبه (بلیغ)
۱۶/۳	۷۵	۱۲/۶	۸۰	تشبیه با تمام ارکان (کامل)
۱۱	۵۱	۲/۴	۱۵	تشبیه با طرفین و وجه شبه (مفصل)
۱۰/۶	۴۹	۱۷/۵	۱۱۰	تشبیه با طرفین و ادات (مرسل)
۱۰۰	۴۶۲	۱۰۰	۶۳۱	مجموع

## پی نوشت‌ها

- ۱- به دلیل محدودیت صفحات مقاله، فقط تعداد محدودی از تشبیهات دو اثر در متن ذکر شده است و به همین دلیل در ارجاع‌های داخل متن، سال انتشار مخزن الأسرار (۱۳۸۴) و مطلع الأنوار (۱۹۷۵م) ذکر نگردید.
- ۲- برای مطالعه بیشتر (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۲۱؛ شمیسا، ۱۳۸۲: ۴۵)
- ۳- تشبیه خیالی آنست که مشبّه به آن، امری غیرموجود و غیرواقعی بوده و حداقل از دو جزء تشکیل شده باشد که تک تک اجزای آن، حسی باشند. تشبیه وهمی آنست که مشبّه به آن غیرواقعی و مرکب از دو جزء باشد، به شرط آنکه یکی از اجزا، وجود خارجی نداشته باشد. این تشبیهات به تشبیهات حسی و عقلی ملحق می‌شوند. تشبیهات مجرد و انتزاعی

نیز مصداق خارجی ندارند و بیشتر ساخته ذهن سازنده تشبیه است. در این پژوهش تشبیه انتزاعی بیشتر ناظر بر ترکیبات ادبی و ساختگی هر دو شاعر است که در طرفین تشبیه قرار می‌گیرند و مغایر با طرفین عقلی یا حسی تشبیه هستند. بنابراین بیشتر آفریده ذهن شاعر است و تا حدودی با تشبیه خیالی و وهمی هم‌پوشی پیدا می‌کند و در عین حال صددرصد با آنها مطابقت ندارد. غالب این ترکیبات خود ترکیب تشبیهی یا استعاری هستند (رک: شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۹؛ کزازی، ۱۳۸۱: ۴۳؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۵۹؛ علوی مقدم، ۱۳۸۳: ۹۴؛ پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۱۹۹).

### منابع

- ۱- احمدپور، عزیزه. (۱۳۶۵). *سیری در گلزار شعر: مقایسه و بررسی جنبه‌های اجتماعی و مشترکات نظامی در مخزن الأسرار و جامی در سلسله الذهب*، تهران: علوی.
- ۲- احمدزاده، مزده. (۱۳۸۰). *نظامی و سحر سخن*، کیهان فرهنگی، ش ۱۷۵، ص ۳۸ - ۴۱.
- ۳- اسکلتن، رابین. (۱۳۷۵). *حکایت شعر*، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: میترا، چاپ اول.
- ۴- اسماعیلی، عصمت. (تابستان ۱۳۷۷). «مقایسه روانی و ساختاری خسرو و شیرین نظامی با شیرین و خسرو امیرخسرو دهلوی»، *مجله شعر*، سال ۶، ش ۲۳، ص ۴۷.
- ۵- براهنی، رضا. (۱۳۸۰). *طلا در مس*، ج ۳، تهران: زریاب، چاپ اول.
- ۶- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). *سفر در مه*، تهران: نگاه، چاپ اول.
- ۷- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۷۰). *اسرارالبلاغه*، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۸- حاکمی والا، اسماعیل. (۱۳۵۸). «مخزن الأسرار نظامی و نظیره‌هایی که از آن سروده‌اند»، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، ش ۳ و ۴، ص ۴۰-۴۴.
- ۹- دهلوی، امیرخسرو. (۱۹۷۵م). *مطلع الأنوار*، به اهتمام طاهر احمد اوغلی محرم اوف، مسکو: شعبه ادبیات خاور.
- ۱۰- زنجانی، برات. (۱۳۷۷). *صور خیال در خمسه نظامی*، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- ۱۱- سلیمانی روزبهانی، حسین. (۱۳۸۸). *تفسیر و تصحیح مبسوط و تحلیلی استدلالی مخزن الأسرار*، تهران: موج، ۱۳۸۸، چاپ اول.
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۷۲). *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه، چاپ پنجم.
- ۱۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). *تکامل یک تصویر*، *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد*، سال ۲۳، شماره ۳ و ۴، ص ۲۵.
- ۱۴- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۱). *بیان*، تهران: فردوس، چاپ دوم.
- ۱۵- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *بیان و معانی*، تهران: فردوس، چاپ هشتم.
- ۱۶- طغیانی، اسحاق. (۱۳۷۹). *واژه‌یاب مخزن الأسرار نظامی*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ۱۷- علوی مقدم، محمد و رضا اشرف زاده. (۱۳۸۳). *معانی و بیان*، تهران: سمت، چاپ پنجم.
- ۱۸- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۸۱). *بیان*، تهران: ماد، چاپ ششم.
- ۱۹- نظامی، الیاس. (۱۳۸۴). *کلیات*، تصحیح وحید دستگردی، ج ۲، تهران: نگاه، چاپ پنجم.
- ۲۰- یوسفی، حسینعلی. (۱۳۸۵). *نقد تطبیقی مخزن الأسرار و مطلع الأنوار*، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.